نشر ارس

صد گفتار ۴

هشت گفتار درباره موسیقی ۴

داریوش صفوت

به کوشش
ستاره صفوت

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

هشت گفتار درباره‌ی موسیقی ۴

داریوش صفوت

به کوشش ستاره صفوت

ویراستاران: شادی جهرانی/

امین‌پاشا صمدیان/ علی شهرآشوب

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

فهرست

گفتار یکم/ هفت بوته‌ی آزمایش موسیقی ایران ۱۵

ایران، سرزمین آریایی‌ها ۱۶

بوته‌ی اول ۱۸

بوته‌ی دوم ۱۸

بوته‌ی سوم ۲۱

بوته‌ی چهارم ۲۱

بوته‌ی پنجم ۲۲

بوته‌ی ششم ۲۲

لهجه‌های مختلف موسیقی ایرانی ۲۵

اشاعه‌ی موسیقی ایرانی، از ایران به اروپا ۲۶

تغییرات موسیقی ایرانی بعد از اسلام ۲۷

بوته‌ی هفتم ۳۰

سه سنت موسیقی در دوره‌ی قاجاریه ۳۵

تغییر یافتن موسیقی ایرانی از مقامات به دستگاه‌ها ۳۷

فرضیه‌ای درباره‌ی شکل گرفتنِ رَویه‌ی دستگاهی ۴۰

روحیه‌ی عرفانیِ موسیقی ایران ۴۲

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

موسیقی ایران، موسیقیِ پیوندخورده ۴۴
دوره‌ی معاصر یا بوته‌ی هشتم ۴۵

گفتار دوم / درآمدی بر شناخت موسیقی ایرانی ۵۳

درآمد ۵۵
شناخت ۵۸
دوگانی‌های موسیقی ایرانی ۵۹
۱. مطبوع و مؤثر ۶۰
۲. جذب و دفع نیرو ۶۲
۳. فن و حال ۶۶
۴. تقلید و خلاقیت ۶۷
۵. از حفظنوازی و بدیهه‌پردازی ۷۰
۶. آرامش و هیجان ۷۰
۷. نرمش و قدرت ۷۳

گفتار سوم / تأثیر موسیقی بر نوازنده ۷۷

بدیهه‌پردازی ۷۸
از حفظنوازی و نقش آن در بدیهه‌پردازی ۷۹
حال و ویژگی‌های آن ۸۰

گفتار چهارم / اصول زندگی هر هنرمند ۸۵

تعریف اصول ۸۵
تقسیم‌بندی اصول ۸۷
۱. اصل تبعیت ۸۹
۲. اصلِ دستِ باز ۹۱
۳. اصل پاکی ۹۵
۴. اصل درستی ۹۶
۵. اصل راستی ۹۸

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

۶. اصل از خودگذشتگی ۱۰۰
۷. اصل تکرار ۱۰۰
۸. اصل آگاهی از حجم کار ۱۰۲
۹. اصل عادت ۱۰۳
۱۰. اصل تدریج ۱۰۴
۱۱. اصل ارتباط بین زندگی خصوصی و زندگی هنری ۱۰۵
۱۲. اصل دیسیپلین و انتظام ۱۰۵
۱۳. اصل مفید بودن و سبک‌باری ۱۰۶
۱۴. اصل آزادگی ۱۰۷
۱۵. اصل نرمش ۱۰۸
۱۶. اصل عدم تجاوز و عفو ۱۰۸
۱۷. اصل محبت ۱۰۹
۱۸. اصل امانت ۱۰۹
۱۹. اصل صداقت ۱۱۰
۲۰. اصل حق‌بینی ۱۱۰
۲۱. اصل خودبینی ۱۱۰
۲۲. اصل در اجتماع بودن ۱۱۱
۲۳. اصل اراده ۱۱۲
۲۴. اصل حقیقت و مَجاز ۱۱۲
۲۵. اصل تعادل بین درک و احساس ۱۱۳

گفتار پنجم / هندسه الهی در هنر ۱۱۷

گفتار ششم / زیبایی‌شناسی در هنر ۱۲۵

مبادی و مسائل فلسفه ۱۲۶
شناخت اِنّی و شناخت لِمّی ۱۲۷
دلایل نقلی و دلایل عقلی ۱۲۸
فرمول‌های معنوی ۱۳۲

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

اثر، مؤثر و تأثیر ۱۳۳
ویژگی علوم ظاهری: از اثر به مؤثر رسیدن ۱۳۵
تعریف زیبایی ۱۳۵
اصل متعارف و اصل موضوع در زیبایی‌شناسی ۱۳۹
نسبت و تناسب ۱۴۲
پیامد عدم پذیرش اصل موضوع در زیبایی‌شناسی ۱۴۳
باقی بودن زیبایی، به‌رغم وجود مخالفان ۱۴۴

گفتار هفتم / سخنرانی در انجمن فرهنگ ایران باستان، درباره‌ی موسیقی باستانی ایران ۱۴۷

گفتار هشتم / نام‌گذاری فارسی اصوات موسیقی ۱۵۱

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

مقدمه‌ی ناشر

موسیقی از جمله واسطه‌های بین محسوسات و معقولات است و مجرد نسبی. به قول فارابی، صورت بی‌ماده است و در عالم امکان قرار دارد. با آنکه از جنس زمان است، ولی در عالم بی‌زمانی است و با آنکه یک ثبوت دارد، در عالم محو مستقر گردیده. وقتی از امکان به وجوب می‌رسد، ماده می‌گیرد و حرکت پیدا می‌کند و در زمان جاری می‌شود. حقیقتش در رابطه‌هاست، نه در عناصر. در ترکیبات است، نه در اجزا.

در موسیقی‌های سنتی یک نظام کلی وجود دارد[1] که مانند الگو و چارچوبی برای بدیهه‌پردازی به‌کار می‌رود و هنرمند را راهنمایی می‌کند. بسته به تسلطی که هنرمند دارد، می‌تواند از این الگوی اولیه فراتر رود و ترکیبات جدیدی به وجود آورد، یا اینکه در همان الگوی اولیه دخل و تصرف کند. اینکه هر الگو (گوشه) قابلیت ترکیب و اتصال را با کدام قسمت این نظام موسیقایی دارد، با تعمق و تجربه حاصل می‌شود و همان است که قدما آن را «محرم شدن گوشه‌ها با موسیقی‌دان و بیان کردن سِر خود» می‌نامیدند. هر یک از این الگوها (گوشه‌ها) برای حالت روحی

۱. در موسیقی سنتی فعلی ایران این نظام، ردیف نام دارد.

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

خاصی ساخته شده‌اند و در آنها نشئه‌ای مستتر است، که تا زمانی که موسیقی‌دان آن نشئه‌ی روحی را درک نکرده باشد، نمی‌تواند آن را در موسیقی خود اجرا کند و همچنین قابلیت اتصال آن را نیز به ساختار کلی آن نظام موسیقایی نخواهد داشت. این موضوع است که موسیقی‌های اصیل را از موسیقی‌های غیراصیل متمایز می‌کند. اگر موسیقی اصیل باشد، «نقش هر پرده‌اش راه به جایی دارد» و «سخن‌شناسِ محرم به آن «دردِ محبت»، از آن «عمل»، «مژه خون‌پالا»[1] می‌گردد و موسیقی‌دان از آن «نقش» تحسّس و تحسیس[2] می‌کند. در این مرتبه است که موسیقی اثر و حال پیدا می‌کند. کیفیت این اثر و حال هر زمان که موسیقی اجرا می‌شود و به عرصه‌ی وجود می‌رسد مشخص می‌شود و بستگی تام به ادراک موسیقی‌دان از آن نشأت دارد. به عنوان مثال ممکن است شخصی یکی از آهنگ‌های درویش‌خان را بنوازد و هیچ کیفیت و حالی نداشته باشد و دیگری از همان قطعه کیفیتی متعالی تولید کند. در بدیهه‌پردازی بر پایه‌ی ردیف نیز همین موضوع صادق است. مانند تولد موجودی زنده از رشته‌های دی ان اِی (DNA)، که وقتی آن ژن‌ها به عرصه‌ی وجود می‌رسند، کیفیت و خاصیتشان بروز می‌کند. ساختن یک موسیقی از عدم، مستلزم برخورداری موسیقی‌دان از قدرت ایجاد است، که چیزی ورای نوآوری و فوق‌بشری است. اما ساخت یک موسیقی از مواد اولیه، در حوزه‌ی نوآوری است و در استعداد عموم قرار دارد و هر کس به نسبت ظرف خویش از آن بحر، بهره می‌جوید. در قدیم، شیوه‌ی آموزش بر این بوده است که در ابتدا با نشأتی که از پیشینیان به یادگار مانده، شخص را تا زمانی که از مرحله‌ی وابستگی بیرون بیاید آشنا می‌کردند[3]. به‌تدریج شخص به پختگی‌ای می‌رسید که خود قدرت تولید نشأتی را پیدا می‌کرد. اگر شخصی به این مرتبه می‌رسید، آن نشأت نو را از او می‌گرفتند و به گنجینه اضافه می‌کردند (در موسیقی ایرانی گوشه‌هایی در ردیف هستند که نامشان، نام هنرمندانی است که آن گوشه‌ها را پدید آورده‌اند).

---

۱. مطرب از درد محبت عملی می‌پرداخت که حکیمان جهان را مژه خون‌پالا بود (حافظ)

۲. رک، صفوت، داریوش، *هشت گفتار درباره‌ی فلسفه‌ی موسیقی*، ج ۱، تهران، کتاب‌سرا، [illegible]

۳. می‌توان این مرحله را با آموزش ردیف قیاس کرد.

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

موسیقی‌دانان همواره آن ایده‌آلی که تمام مصادیق موسیقی، ظهور جلوه‌ای از آن هستند را می‌جستند. ظاهر موسیقی بنا به فرهنگ و زمان و عوامل اجتماعی و ... صور نو به خود می‌گیرد. اما جوهری واحد و پویا به آن کالبد جان می‌بخشد. نشأتی است که از دانی و ناسوتی، تا اعلی‌مرتبه‌ی امکان، وجود دارند (از موسیقی شهوانی و فخرفروشانه و غیره گرفته تا موسیقی‌های معنوی و الهی)، ولی دسترسی به هر سطحی از این نشأت، بستگی به قدرت پذیرش موسیقی‌دان و گیرندگی او دارد. نیت و پرورش فکر او تعیین می‌کند که از چه منبعی و با چه دقت و وضوحی درک معانی کند.

همان‌طور که اشاره شد، در موسیقی‌های سنتی، یکی از سیرهای نشأت را محفوظ و منتقل می‌کنند و آن را پایه قرار می‌دهند تا در نتیجه‌ی تعمق و ممارست بر آن پایه، شخص با ساز و کار موسیقی و نحوه‌ی سیر در آن نشأت آشنا شود و حوزه‌ی فعالیت درونی آن بر وی هویدا گردد. اگر این مرتبه به‌طور تمام و کمال و تحت نظارت یک رهشناس و رهنما انجام نشود، آنچه در ذهن هنرمند نقش می‌بندد، نسبت به آن ایده‌آل، اعوجاج خواهد داشت و اصالت و زندگی خود را از دست می‌دهد و مکانیکی و تصنعی می‌شود. اما پس از طی این مرحله، شخص نسبت به درجه‌ی پختگی‌اش به اجتهاد می‌رسد و قدرت اتصال اجزا را به‌طور طبیعی به کل پیدا می‌کند و بنا به مقتضیات حال و مقام، انواع ترکیبات را می‌تواند در نوازندگی خود از آن نشأت پدید آورد و سیر حال و فکر خود را به اجرا بگذارد.

مهم‌ترین موضوع برای پدید آوردن موسیقی متعالی، کسب نشأت متعالی است که برای یافت آن، شخص باید بتواند به حالی برسد که این نشأت را درک و در مرحله‌ی بعد جلوه‌گر کند. به نسبتی که وجودش تعالی یابد، این قدرت در او ایجاد می‌شود. یعنی با تکمیل عالم، علم پیشرفت می‌کند. تکمیل عالم، همان قدرت کسب و انتقال از امکان به وجوب است، بدون مخدوش و مشوب کردن کیفیت اولیه و حتی تعالی بخشیدن آن. در انتقال از عالم بی‌زمان به زمان، از معقول به محسوس و از قوه به فعلیت است که موسیقی اثر و حال متناظر با مسیری را که از آن به فعلیت می‌رسد پیدا می‌کند.

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

تکیه‌ی دکتر داریوش صفوت در فلسفه‌ی موسیقی بر تعالی اخلاقی بود و آن را تنها راه تعالی نشأت و کیفیات و اثر موسیقی یک موسیقی‌دان می‌دانست. در پی آن بود که با ساده‌ترین و عملی‌ترین زبان این روند را تبیین کند و در سخنرانی‌ها و مقالاتش به‌کرات جنبه‌های مختلف این «نکته» را می‌گشود. و خود نیز در عمل، آن را به شاگردانش نشان می‌داد و آنالیز می‌کرد. می‌گفت: اگر بخواهیم موسیقی‌مان پیشرفت کند، باید درون خودمان پیشرفت کند و البته موسیقی وسیله‌ای می‌شود که اگر در راه صحیح استفاده شود می‌تواند به این پیشرفت کمک کند. امید است این مجلد که بخشی از مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اوست، در جهت رمزگشایی این مکانسیم مفید واقع گردد.

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

گفتار یکم

هفت بوته‌ی آزمایش موسیقی ایران

قصد داریم تا آنجا که ضرورت داشته باشد جنبه‌های تاریخی موسیقی ایران را بررسی کنیم، تا ببینیم این موسیقی که امروز در دست ماست از کجا آمده، چه سابقه‌ای دارد و از چه ترکیب شده است. در نتیجه بتوانیم آن را ارزیابی کنیم و ارزش واقعی آن را بسنجیم.

در اینجا قصدِ بحث تاریخی به‌صورت تخصصی نداریم. فقط چند نکته وجود دارد که به بحث تاریخی مختصری نیاز دارد.

نکته‌ی اول این است که به نظر بنده و کسانی که در موسیقی ایرانی تحقیق کرده‌اند، موسیقی ایرانی یکی از قدیمی‌ترین موسیقی‌های دنیاست. البته عرض نمی‌کنم «قدیمی‌ترین»، ولی «یکی از قدیمی‌ترین» موسیقی‌های دنیاست.

نکته‌ی دوم اینکه اگر نگوییم «اصیل‌ترین»، باید بگوییم «یکی از اصیل‌ترین» موسیقی‌های دنیاست. یعنی در دنیا سه موسیقی از حیث اصالت، هم‌عرض و هم‌دوش یکدیگر هستند. موسیقی چین، موسیقی هند و موسیقی ایران. البته فعلاً بین این سه امتیازی نمی‌گذاریم که کدام‌یک اصیل‌تر است.

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

سومین نکته که بسیار هم دقیق است و شاید کم‌تر به آن توجه شده، این است که می‌توان گفت موسیقی ایرانی «استوارترین» و «قوام‌یافته‌ترین» موسیقی دنیاست. شاید کسی به این موضوع توجه نکرده باشد. بدین جهت ما در این سخنرانی به آن می‌پردازیم و البته ادعا نداریم که این موضوع را ثابت می‌کنیم، ولی تا آنجا که مدارک تاریخی اجازه می‌دهد و تحقیقات ما امکان می‌دهد، این نکته را بررسی می‌کنیم. برای این منظور باید مختصری از تاریخ موسیقی ایران را بازگوییم.

ایران، سرزمین آریایی‌ها

عرض کردم که موسیقی ایران یکی از قدیمی‌ترین موسیقی‌های دنیاست. چند هزار سال از عمر این موسیقی می‌گذرد. بسیار بسیار قدمت دارد. تاریخ سرزمینی که ما در آن زندگی می‌کنیم نیز بسیار قدمت دارد و در تحقیقات باستان‌شناسی، همچنان موارد جدیدتری کشف می‌شود که نشان می‌دهد تاریخ این سرزمین چقدر قدمت دارد و چه تمدن‌های بسیار پیشرفته‌ی باستانی در این سرزمین بوده‌اند. تاریخ رسمی مملکت ما از آن زمان شروع می‌شود که آریایی‌ها به ایران آمدند. یعنی کشور ایران به این صورت و با این تمدنی که ما داریم و مداومت پیدا کرده است و در هیچ دوران قطع نشده است، با تمام زیر و بم‌های تاریخی آن، از زمان آریایی‌ها به بعد بوده است.

البته تاریخ دقیق ورود آریایی‌ها به ایران معلوم نیست. گفته می‌شود از هزاره‌ی سوم یا چهارم قبل از میلاد، اقوام آریایی از آسیای مرکزی و جنوب سیبری یا دیگر نقاطی که سکنا داشته‌اند، به سوی جنوب حرکت کردند. این اقوام دو گروه شدند؛ دسته‌ای از طریق دره‌ی سند و پنجاب به طرف هندوستان رفتند و در آنجا ساکن شدند؛ گروه دیگر از راه قفقاز، یا به روایت دیگر از راه مرو و خراسان، وارد فلات ایران شدند. این گروه هم، خود به سه دسته تقسیم شدند: مادها در غرب، پارس‌ها در جنوب و پارت‌ها در شمال شرقی فلات ایران ساکن شدند. قوم ماد، پیش از دو قوم پارس و پارت مستقر شدند و حکومت تشکیل دادند.

بعد از حکومت مادها نوبت به هخامنشیان رسید که حکومت مرکزی ایران را بنیان نهادند. یعنی کشور ما از زمان هخامنشیان، از ۲ هزار و ۵۰۰ سال پیش تا به

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز